



وظایف ما در قبال امور کشور

مطالعه: اول پطرس باب ۲

نکته: کشور مکانی است که ما در آن زندگی می‌کنیم و قوانین و مقررات دولتی دارد.

امروزه ایمانداران واقعی مسیح در کشورهای مختلف با قوانین مختلف زندگی می‌کنند که برخی از آنها با قوانین خدا مغایرت دارد. این درس در مورد وظایف مسیحیان در قبال کشور و به خصوص اینکه آیا مسیحیان اجازه شرکت در سیاست و جنگ را دارند است. درس ۹ و ۱۳ به شما کمک می‌کند تا این بخش را خوب متوجه شوید.

مردم خدا در عهد عتیق

حدود ۳۵۰۰ سال پیش زمانی که اسرائیلی‌ها از مصر خارج شدند خداوند آنها را در کوه سینا جمع کرد و با آنها عهدی بست. قرار بود او خدای آنها باشد و آنها امت او. قوانینی که خدا به آنها داد شامل قوانین برای پرستش و زندگی روزانه بود. از آنجا که خدا باور ها و قوانین را مشخص کرده بود هیچ تضادی بین آنها وجود نداشت کمی بعد خدا پادشاهانی برای مردم اسرائیل انتخاب کرد آن اتفاق پادشاهی خدا بر زمین بود و سربازان پادشاه سربازان خدا بودند. پادشاه می‌بایست تمام دستورات خدا را اجرا می‌کرد. اما مردم اسرائیل به قوانین خدا بی اعتنا بوده و روش‌های شرورانه اقوام دیگر را پیروی می‌کردند. پس خدا پادشاهی خود را به اتمام رساند. ابتدا قوم آشور به پادشاهی شمالی اسرائیل حمله کرده و مردم را به اسارت بردند و بعد آنها را پراکنده کردند و پس از آن بابلیان پادشاهی جنوبی یهودا را به اسارت بردند. پس مردم خدا در کشورهای هائی زندگی می‌کردند که خدایان دروغین پرستش می‌شد و برخی از قوانین با قوانین خدا مغایرت داشت. رفتار برخی از یهودیان خدا ترس در آن شرایط سخت به ما چگونگی رفتارمان در مورد زندگی در کشورهای هائی که قوانین آنها با قوانین خدا مغایرت دارد را نشان می‌دهد.

آیا آنها باید از خدا پیروی کنند یا از حاکم بیگانه؟

دانیال و دوستانش جزو کسانی بودند که به اسارت توسط نبوکد نصر به بابل برده شدند این اتفاق زمانی افتاد که پادشاهی جنوبی یهودا به پایان خود نزدیک بود گاهی آنها می‌بایست بین اطاعت از قوانین خدا و یا بابلیان یکی را انتخاب می‌کردند. مثال‌های زیر مفید است:

آیات	مشکلات	کاری که دانیال و دوستانش کردند	در نهایت چه اتفاقی افتاد
دانیال، باب ۱، آیات ۸ تا ۱۶	به دانیال و دوستانش گوشتی برای خوردن داده شد که قربانی بت‌ها شده بود، آنها نمی‌خواستند گوشت را بخورند اما می‌دانستند که این کار پادشاه را ناراحت می‌کرد.	گوشت را نخوردند و به جای آن درخواست سبزیجات کردند	خدا مراقب آنها بود و آنها از همه سالم‌تر به نظر می‌آمدند.
دانیال باب ۳	نبوکد نصر دستور داد که همه بر زانوهای خود نشسته و مجسمه طلایی که بر پا کرده بود پرستش کنند	سه دوست دانیال هیچ چیزی غیر از خدا را پرستش نکردند.	آنها در گودال عمیق انداخته شدند ولی خدا نجاتشان داد و هیچ آسیبی به آنها نرسید.
دانیال باب ۶	دشمنان دانیال قصد کشتن او را داشتند پس پادشاه جدید داریوش را رازی کردند که اجازه دعا فقط برای پادشاه داده شود.	دانیال به دعا در درگاه خدا ادامه داد در حالی که همه او را می‌شنیدند.	درون چاه شیران انداخته شد اما فرشته خداوند از او حمایت کرد.

این مثال‌ها به ما می‌آموزند که:

- خدا را در رأس زندگی‌مان قرار دهیم.
- تنها خدا پرستش شود
- قوانین را حفظ کنیم و همیشه قوانین خدا را به جا آوریم.
- به خدا اعتماد کنیم.

دانیال و دوستانش از بهترین اطرافیان پادشاه بودند و به مامورین دولتی مهمی تبدیل شدند آنها هرگز در درس ساز نبودند و هرگز در بی فرصتی برای شکستن قوانین پادشاه نبودند تنها زمانی از فرمان پادشاه سرپیچی می‌کردند که با قوانین خدا مغایرت داشت. این قانون مهمی است برای تمام پیروان عیسی مسیح. آنها باید تمام قوانین کشوری را که هماهنگ با قوانین خداست به جا آورند. دشمنان دانیال هیچ ایرادی بر رفتار او نمی‌توانستند بگیرند (دانیال، باب ۶، آیات ۴ و ۵) این امر باید برای ما نیز صدق کند.

مسیحیان باید از قوانین کشورشان پیروی کنند مگر اینکه این قوانین با قوانین خدا مغایرت داشته باشد.



مردمان خدا، امروزه

خدا تمامی ایمانداران واقعی را مردم خودش می داند و امروزه این افراد عبارتند از یهودی و غیر یهودی درست همانند اسرائیلی ها در عهد عتیق که مردمان خاص خدا بودند و امت مقدس نامیده شدند. امروزه ایمانداران تعمیدی نیز همینگونه معرفی می شوند این امر با مقایسه متنی از عهد عتیق و عهد جدید در جدول زیر قابل رویت است. با اینکه شاگردان مسیح در کشور های مختلفی زندگی می کردند کتاب مقدس آنها را امت خاص، مردمان خدا می داند.

مردمان اسرائیل (اسرائیل حقیقی)	مردمان خدا امروزه (اسرائیل معنوی)
خروج، باب ۱۹، آیات ۵ و ۶: و اکنون اگر آواز مرا فی الحقیقه بشنوید و عهد مرا نگه دارید همانا خزانه خاص من از جمیع قومها خواهید بود. زیرا که تمامی جهان از آن من است و شما برای مملکت کهنه و امت مقدس خواهید بود.	اول پطرس باب ۲ آیات ۹ و ۱۰: لکن شما قبیله برگزیده و کهنات ملوکانه و امت مقدس و قومی که ملک خاص خدا باشد هستید تا فضایل او را که شما را از ظلمت به نور عجیب خود خوانده است و اعلام نمایی که سابقاً قومی نبودید و الآن قوم خدا هستید آنوقت از رحمت محروم اما الحال رحمت کرده شده اید.

ایماندارانی که امروزه قسمتی از امت مقدس خدا هستند قسمتی از پادشاهی آینده خدا نیز خواهند بود. و منظر بازگشت پادشاه خود به اورشلیم هستند پس هنگام انتظارشان نباید کاری کنند که به رابطه آنها با خدا آسیب رساند. خدا باید در همه کارها در ارجحیت باشد پس در زمان بازگشت مسیح همه آنها فرا خوانده شده تا با هم به او خدمت کنند.

عقیده مسیحیان نسبت به حاکمان کشورشان

عیسی زمانی در اسرائیل زندگی می کرد که امت تحت فرمان رومیان بود او از قوانین آنها زجر کشید و مرد اما هرگز یک در دسر ساز سیاسی نبود. با اینکه بسیاری از یهودیان بر این امید بودند تا او بتواند آنها را از رومیان آزاد کند. وقتی از مسیح پرسیدند که آیا یهودیان باید به رومیانی که از آنها متنفر بودند مالیات بپردازند او قانون مهمی را با تصویر یک سکه رومی، قیصر بنا کرد: "مال قیصر را به قیصر ادا کنید و مال خدا را به خدا" (متی، باب ۲۲، آیه ۲۱). این بدین معنی است که همانطور که قوانین ایجاب می کند باید مالیات را پرداخت (پولس در رومیان باب ۱۳، آیه ۷ این موضوع را به وضوح بیان کرده است.) و همینطور نشان می دهد که ما باید به قوانین همانند خدا احترام گذاشته و از آن پیروی کنیم. نه تنها مسیح قوانین رومیان را قبول کرد بلکه حتی سعی نکرد که سران مذهبی یهود را تغییر دهد، کسانی که از موقعیت خود در در معبد سوء استفاده می کردند و مردم را منحرف می ساختند. سران مذهبی سعی در متوقف کردن مسیح در آموزش و معجزاتش داشتند اما در تمام شرایطی که او آزار می دید و زندگی اش در خطر بود بر ماموریت خود ادامه می داد. او می دانست که این کار خداست و بسیار مهم است. این مثال وفاداری مسیح توسط شاگردان او نیز پیروی می شد. آنها نیز صادق بودند و از قوانین پیروی می کردند و هرگز در سیاست کشور هایی که در آن زندگی میکردند دخالتی نداشتند. آنها هرگز سعی در تغییر دنیا به واسطه سیاست نبودند. وقتی مشکلی از سوی یهودیان و یا رومیان رخ می داد آنها قوانین خدا را در رأس می گذاشتند. پس زمانی که به آنها گفته شد تا نبوت را متوقف کنند آنها پاسخ دادند: "خدا را می باید بیشتر از انسان اطاعت نمود." (اعمال باب ۵ آیه ۲۹). اعمال باب ۴ آیات ۱۷ تا ۲۰ را نیز ببینید. پولس به ما می گوید که باید مطیع قوانین خدا باشیم چون تمامی حاکمان توسط خدا انتخاب شدند. (اگر چه بسیاری این را درک نمی کنند)

توجه داشته باشید که پولس این کلمات را به ایماندارانی نوشت که در جامعه ای سخت زندگی می کردند جایی که برده های زیادی با ناعدالتی روبرو بودند: "هر شخص مطیع قدرت های برتر بشود زیرا که قدرتی جز از خدا نیست و آنهایی که هست از جانب خدا مرتب شده است. حتی هر که با قدرت مقاومت نماید، مقاومت با ترتیب خدا نموده باشد و هر که مقاومت کند حکم بر خود آورد." (رومیان باب ۱۳ آیه ۱ و ۲). پس اگر از قوانین کشورمان سر پیچی کنیم از خدا سر پیچی کرده ایم در اول تیموتائوس باب ۲ آیه ۱ و ۲ پولس ایمانداران را تشویق به دعا برای حاکمان کشور ها کرد: "پس از همه چیز اول سفارش می کنم که صلوات و دعا ها و مناجات و شکر ها را برای همه جمیع مردم به جا آورند. به جهت پادشاهان و جمیع صاحبان منصب تا به آرامی و استراحت و با کمال دینداری و وقار عمر خود را به سر بریم. قوانین یک کشور معمولاً نشان می دهد که آنجا مکان امنی برای زندگی است اغلب مشکلی میان وظایف یک مسیحی در قبال کشور و در قبال خدا وجود ندارد پس وقتی از قوانین کشور اطاعت می کند از خدا اطاعت کرده است. برای مثال یک قاتل هم در قوانین کشور و هم در قوانین خدا اشتباه کرده است. اگر چه حکومت گاهی از شهروندان انتظار دارد کارهایی انجام دهند که موافق آموزه های کتاب مقدس نیست همانند رفتن به جنگ. شاگردان مسیح باید بین اطاعت از حکومت و یا خدا یکی را انتخاب کنند." مثال پطرس رسول جمله خوبی برای پیروی است: "خدا را می باید بیشتر از انسان اطاعت نمود." (اعمال باب ۵، آیه ۲۹). شغل ها و علایق زیادی هستند که پیروان باید از آنها اجتناب کنند که شامل ساختن سلاح های منفجره و نابودکننده و شغل های نظامی همانند نیروهای ارتش و یا پلیس می شود. ایمانداران همچنین باید از قبول هر نوع تعهدی خود داری کنند زیرا عیسی مسیح تنها سرپرست تمام ایمانداران واقعی است و ما باید تنها مطیع فرامین او باشیم. کسانی که متوجه می شوند شغل آنها مناسب یک مسیحی نیست باید برای کمک و راهنمایی دعا کنند. خدا می تواند به آنها کمک کند.

مسیحیان و سیاست

اگر چه خدا در حال اجرای اهدافش بر روی زمین است (دانیال باب ۴ آیه ۳۲). واضح نیست که چگونه این کار را انجام می دهد و حتی معلوم نیست که چه افرادی ملت هایی در آن دخیل خواهند بود. از آنجایی که مسیحیان نمی دانند خواست خدا در رأس کدام گروه سیاسی است، انتخاب را بر عهده خدا گذاشته و رأی نمی دهند. آنها هرگز در سیاست مداخله نکرده زیرا ممکن است ناخودآگاه در گرفتن تصمیم به ضد خدا مداخله کرده باشند. بنابراین مداخله در دولت های انسانی اشتباه است چه محلی چه ملی. چون مردمان خدا به نظام او تعلق دارند و یک پادشاه نیز دارند، عیسی مسیح. از آنجایی که ایمانداران واقعی پیروی از مسیح را انتخاب کرده اند، چگونه می توانند گروه سیاسی را که در خدمت مسیح نیست برگزینند؟ ایمانداران جهت



ساختن دنیایی بهتر نباید در سیاست مداخله کنند چون سران انسانی قادر به این کار نیستند. ایمانداران می دانند که مسیح هنگام بازگشت خود این کار را انجام خواهد داد. پس ایمانداران واقعی از سیاست دور بوده چه به عنوان یک فعال و یا چه به عنوان کسی که رأی می دهد و زمان خود را صرف مطلع ساختن مردم از پادشاهی خدا می کنند، احتیاج به دور ماندن از سیاست مثل شغل های نامناسب هیچ ربطی به قوانین یک حکومت ندارد و مربوط به همه خادمین خدا می شود. آنها اکنون باید تحت قوانین مسیح زندگی کنند. (اول قرنتیان باب ۹ آیه ۲۱) و خود را از دولتهای انسانی و سیاست جدا کنند: "از میان ایشان بیرون آید و جدا شوید و چیز ناپاک را لمس نکنید تا من شما را مقبول بدارم." (دوم قرنتیان باب ۶ آیه ۱۷). "و هم شکل این جهان مشوید بلکه به تازگی ذهن خود صورت خود را تبدیل دهید..." (رومیان باب ۱۲ آیه ۲)

مسیحیان و جنگ

در عهد عتیق خدا از اسرائیلی ها انتظار داشت که با زندگی در سرزمین کنعان دشمنان خود را نابود کنند تا وسوسه نشوند که راههای شریانه آنها را پیروی کنند. (خروج باب ۲۳ آیات ۳۱ و ۳۲). خدا به آنها یاد داد که بجنگند پس وظیفه آنها اطاعت بود اما مسیح که بعد از پادشاهی خدا بر زمین زندگی می کرد گفت: "شنیده اید که گفته شده است همسایه خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت کن اما من به شما می گویم که دشمن خود را محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید." (متی باب ۵ آیات ۴۳ و ۴۴)

عهد جدید نیز مثالهای این چنینی دارد: "با شریان مقاومت مکنید... بلکه هر که به رخساره راست تو طیانچه زد دیگری را نیز به سوی او برگردان... برکت بطلبید بر آنانی که بر شما جفا کنند، برکت بطلبید و لعن مکنید اگر ممکن است به قدر قوه خود با جمیع خلق به صلح بکشید، انتقام خود را مکشید بلکه خشم را مهلت دهید اگر دشمن تو گرسنه باشد او را سیر کن و اگر تشنه است سیرابش نمازیرا اگر چنین کنی اخگرهای آتش بر سرش خواهی انباشت. (متی باب ۵ آیه ۳۹ - رومیان باب ۱۲ آیه ۱۴ - باب ۱۸ آیه ۲۰)

زمانی که مسیح دستگیر شد به پطرس گفت که شمشیرش را کنار بگذارد و در ادامه گفت: "هر که شمشیر گیرد به شمشیر هلاک گردد." (متی باب ۲۶ آیه ۵۲)

مسیح به پنطیوس پیلاتوس ارشد رومی توضیح داد که او اگر چه پادشاه است اما پادشاهیش هنوز نیامده: "پادشاهی من از این جهان نیست اگر پادشاهی من از این جهان می بود خدام من جنگ می کردند تا به یهود تسلیم نشوم لکن اکنون پادشاهی من از این جهان نیست." (یوحنا باب ۱۸ آیه ۳۶). مسیح توضیح داد که چون پادشاهی او در آن زمان بر زمین نبود، خدام او جنگ نمی کردند. پادشاهی او خواهد آمد. پس ایمانداران نمی توانند درگیر جنگ برای کشورهای خود شوند. اگر این کار را کنند ممکن است برادران خود را در مسیح در کشورهای دیگر بکشند. با پذیرفتن جنگ، مسیح یک ترسو و یا صلح جو نبود و انگیزه بالای خود را در رویارویی با مرگ بر روی صلیب نشان داد تا گناهان ما بخشیده شود. اگر چه مردمان خدا در عهد عتیق کاملاً آگاه بودند که در چه جنگی خدا از آنها می خواهد که شرکت کنند. مسیحیان امروزه نمی دانند که خدا چگونه اهدافش را با امتها به روی زمین اجرا می کند. اگر برای کشورشان به جنگ روند ممکن است با اهداف خدا بجنگند. به همین خاطر ایمانداران واقعی خواستار معاف شدن از سربازی هستند.

خلاصه:

ایمانداران باید:

- مطیع قوانین کشورشان باشند غیر از مواقعی که با قوانین خدا مغایرت داشته باشد.
- از هر شغلی و فعالیتی که ممکن است آنها را به تضاد با قوانین خدا و قوانین انسان بکشاند دوری کنند.

آیاتی برای مطالعه:

اول پطرس باب ۲ آیات ۱۱ تا ۹

باب هایی برای مطالعه:

دانیال باب ۶ و ۳

متی باب ۲۲ آیه ۱۵ تا ۲۲

رومیان باب ۱۳

اول پطرس باب ۲ آیات ۱۳ تا ۱۷